



سیدابوالمکارم ابن زهره

حمزه بن علی بن زهره، کنیه‌اش ابوالمکارم و معروف به سید ابوالمکارم ابن زهره است. می‌توان گفت این سید بزرگوار و عظیم الشان از بزرگان شیعه و از عالم‌ترین و معروف‌ترین عالمان خاندان ابن زهره است. وی **فقیه**، **اصولی**، **متکلم**، نحوی و از ثقلت و نقیب سادات حلب و معروف‌ترین فرد ابن خاندان بوده است؛ تا آن جا که هر گاه «ابن زهره» بدون قرینه‌ای به کار رود مقصود اوست و کنیه ابن زهره انصراف به ایشان دارد.

فهرست مندرجات

- ۱ - زندگی‌نامه
- ۲ - فعالیت علمی
- ۳ - فعالیت اجتماعی
- ۴ - خصوصیات
- ۵ - ابن زهره در سخن بزرگان
 - ۵.۱ - ابن شهر آشوب
 - ۵.۲ - علامه حلی
 - ۵.۳ - زبیدی صاحب تاج العروس
 - ۵.۴ - ابن عدیم
 - ۵.۵ - صاحب تفسیر اعلام النبلا
 - ۵.۶ - شیخ حر عاملی
 - ۵.۷ - دیگر بزرگان
- ۶ - خاندان ابن زهره
- ۷ - نسب خاندان
- ۸ - استادان
- ۹ - شاگردان
- ۱۰ - آثار
- ۱۱ - مزار ابن زهره
- ۱۲ - وفات
- ۱۳ - پانویس
- ۱۴ - منبع

زندگی‌نامه

پدر او، علی بن زهره، مردی فاضل و از فقه‌های امامیه بود.
[۱] خوانساری، محمدباقر، روضت الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۲، ص ۳۷۴-۳۷۵، چپ اسدالله اسماعیلین، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲.

به نوشته ابن عدیم
[۲] ابن عدیم، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ج ۶، ص ۵۵۹، چپ فواد سزگین، فرانکفورت ۱۴۰۶-۱۴۰۹/۱۹۸۶-۱۹۸۹.

و طبّاح
[۳] راجع طبّاح، محمد، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، ج ۴، ص ۲۶۹، چپ محمد کمال، حلب ۱۴۰۹/۱۴۰۸۱۴۰۹-۱۹۸۸۱۹۸۹.
وی نواده زهره کبیر بوده است، بنابراین نسبش با نه واسطه به امام جعفر صادق (علیه‌السلام) می‌رسد.

نوشته‌ای با خط خوش نیز که بر لوح قیر او کشف شده، این نظریه را تأیید می‌کند
[۴] امین، محسن، اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۲۴۹، چپ حسن امین، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

لیکن افندی،

[۵] افندی اصفهانی، عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۰۲، چپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱.

به اشتباه او را نواده زهره صغیر به شمار آورده است و بر همین اساس، به گفته خوانساری

[۶] خوانساری، محمدباقر، روضت الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۲، ص ۳۷۴، چپ اسدالله اسماعیلین، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲.
نسب او با دوازده واسطه به امام صادق (علیه‌السلام) می‌رسد.

ابن زهره، علاوه بر پدرش، نزد ابو عبدالله **حسین بن طاهر صوری**، فقیه شیعی؛ ابن نقاش، فقیه موصلی، شاگرد یکی از تلامذه **شیخ مفید**؛ **ابن حاجب حلبی**، زاهد و استاد **قرائت**، تلمذ کرد.

[۱۷] **جر عملی**، محمد بن حسن، امل الامل، ج ۲، ص ۹۳، چاپ احمد حسینی، ج ۲، قم ۱۳۶۲ ش.

[۱۸] **جر عملی**، محمد بن حسن، امل الامل، ج ۲، ص ۲۶۰، چاپ احمد حسینی، ج ۲، قم ۱۳۶۲ ش.

[۱۹] آقابرگ طهرانی، محمدحسن، الثقات العیون فی سلسل القرون، ص ۲۵۷، چاپ علی نقی منزوی، بیروت ۱۳۹۲/۱۹۷۲.

[۲۰] آقابرگ طهرانی، محمدحسن، الثقات العیون فی سلسل القرون، ص ۲۵۷، چاپ علی نقی منزوی، بیروت ۱۳۹۲/۱۹۷۲.

از راویان و شاگردان ابن زهره برادرش، عبدالله بن علی بن زهره، محمد بن عبدالله بن علی بن زهره، محمد بن المشهدی مؤلف المزار، معین الدین مصری، که به گفته **جر عملی**

[۲۱] **جر عملی**، محمد بن حسن، امل الامل، ج ۲، ص ۳۲۴، چاپ احمد حسینی، ج ۲، قم ۱۳۶۲ ش.

فقیهی فاضل بوده، و **شاذان بن جبرئیل**، فقیه قمی

[۲۲] **جر عملی**، محمد بن حسن، امل الامل، ج ۲، ص ۱۳۰، چاپ احمد حسینی، ج ۲، قم ۱۳۶۲ ش.

[۲۳] **جر عملی**، محمد بن حسن، امل الامل، ج ۲، ص ۳۲۴، چاپ احمد حسینی، ج ۲، قم ۱۳۶۲ ش.

[۲۴] خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۲، ص ۳۷۴، چاپ اسدالله اسماعیلیان، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲.

شایان ذکرند.

بنابر گفته خوانساری

[۲۵] خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۲، ص ۳۷۵، چاپ اسدالله اسماعیلیان، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲.

ابن ادریس حلبی (متوفی ۵۹۸) فقیه نقاد و نکته سنج شیعی با ابن زهره مکاتبه داشته و از او **روایت** کرده است؛ با اینهمه در بلب **مزارعه کتلب السرائر**

[۲۶] خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۲، ص ۴۴۲-۴۴۳، چاپ اسدالله اسماعیلیان، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲.

بر نظریه ابن زهره - مبنی بر معاف بودن **زارع** از پرداخت **زکات** - می‌تازد و او را مورد انتقادی سخت قرار می‌دهد.

البته ابن ادریس همواره در انتقاد از علما و از جمله **شیخ طوسی**، سخنانی تند می‌گفته است.

[۲۷] خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۲، ص ۳۷۴، چاپ اسدالله اسماعیلیان، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲.

فعالیت اجتماعی

ابن زهره، افزون بر پایه بلند علمی، رهبری دینی **شیعه** را در حلب بر عهده داشت و مورد توجه شیعیان بود، به گونه ای که وقتی **صلاح الدین ایوبی** در ۵۷۰ حلب را به محاصره خویش در آورد و حاکم نوجوان حلب، ملک **صلاح بن نورالدین زنگی** (متوفی ۵۷۷)، با التماس از مردم استمداد کرد تا از شهر **دفاع** کنند، شیعیان حلب، پشتیبانی خود را مشروط به شرایطی کردند، از جمله آنکه در مسائل **معاملات** و **نکاح** آنان ابوالمکارم ابن زهره مرجع باشد و حاکم حلب بناچار پذیرفت.

[۲۸] **ابن کثیر**، اسماعیل بن عمر، **البدایة والنهایة**، ج ۱۲، ص ۳۰۸۳-۳۰۸۴، چاپ احمد ابوالمحم (و دیگران)، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷.

خصوصیت

ابن زهره فقیهی اصولی و متکلمی نکته نکتہ سنج بود

[۲۹] ابن عدیم، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ج ۶، ص ۵۵۹، چاپ فواد سزگین، فرانکفورت ۱۴۰۶-۱۴۰۹/۱۹۸۶-۱۹۸۹.

و شرح حال نویسان، جلالت و **فقاہت** او را ستوده‌اند.

نظریات او به عنوان یک **فقیه متقدم**، همواره مورد توجه **فقیهان امامیه** بوده است.

ابن زهره در سخن بزرگان

عالمان و دانشمندان بزرگ و تراجم‌نویسان، همه از ابن زهره به نیکی یاد کرده‌اند سخن چند تن از ایشان را به عنوان نمونه می‌آوریم:

← ابن شهر آشوب

ابن شهر آشوب (۴۸۸ - ۵۸۵) آورده است:

حمزه بن علی بن زهره الحسینی الحلبي، صاحب کتلب **«قیس الانوار فی نصره العترة الاخیر»** و **«غنیة النزوع»** فرد نیکویی است.

[۳۰] **مازندرانی**، ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۸۲.

← علامه حلبی

حمزه بن علی بن زهره الحسینی الحلبي؛ **سید سعید صفی الدین معد** می‌گوید: کتلب **«قیس الانوار فی نصره العترة الاطهار»** و کتلب **«غنیة النزوع»** از اوست.

[۳۱] **علامه حلبی**، ایضاح الاشتباه، ص ۱۶۸-۱۶۹.

← زبیدی صاحب تاج العروس

الشریف ابوالمکارم حمزه بن علی معروف به شریف الطاهر از فرزندان علی است.

← ابن عمیم

ابن عمیم در «تاریخ حلب» می‌گوید:
او فقیه و اصولی دقیق و اصحاب نظر از علمای امامیه می‌باشد.
[۲۲] زبیدی، تاج العروس، ج ۳، ص ۲۴۹، ماده «زهر».

← صاحب تفسیر اعلام النبلا

در تفسیر اعلام النبلا آمده است:
شریف حمزه بن زهره الاسحاقی الحسنی، ابوالمکارم سید بزرگوار و گرانقدر و بزرگ مرتبه، دانشمند کامل و برجسته و مجتهد و صاحب تصنیفات نیکو، چندین کتاب تألیف کرده است.

[۲۳] راغب طباخ، مجدد اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۷۰.

← شیخ حر عاملی

شیخ حر عاملی درباره اش چنین آورده است:
او شخصی فاضل و عالمی بزرگ مرتبه، مورد اعتماد است و تصنیفات زیادی دارد.

[۲۴] حر عاملی، مجدد بن حسن، امل الامل، ج ۲، ص ۱۰۵، رقم ۲۹۳.

← دیگر بزرگان

دیگر بزرگان همچون قاضی نورالله مرعشی در «مجالس المومنین»
[۲۵] مرعشی، مجالس المومنین، ج ۱، ص ۵۰۸.

مرحوم علامه مجلسی،

[۲۶] مجلسی، مجدد باقر، بحار الانوار، ج ۱، ص ۴۰۲۱.

خوانساری،

[۲۷] خوانساری، مجدد باقر، روضات الجنات، ج ۲، ص ۳۷۵، رقم ۲۳۵.

محدث نوری،

[۲۸] نوری، میرزاحسین، مستدرک، الخاتمه، ج ۳، ص ۴۷۵، الفائده الثالثه.

مرحوم محدث قمی،

[۲۹] نوری، میرزاحسین، الکنی و الالقب، ج ۱، ص ۲۹۴.

مدرس تبریزی،

[۳۰] مدرس تبریزی، ریحانة الأئمة، ج ۷، ص ۵۵۰.

و دیگر تکره نویسان، همگی ابن زهره را: عاملی سترگ و از فقیهان نامور و کتاب‌هایش را معتبر و مشهور دانسته‌اند. مخصوصاً کتاب گران سنگ او «غنیة النزوع» را ستوده‌اند.

خاندان ابن زهره

پیش از طلوع ابوالمکارم، ابن دودمان اصیل به خاطر نام «اسحاق مومن همسر سیده نفیسه نوه امام حسن مجتبی (علیه السلام) و عمه حضرت عبدالعظیم حسنی» که نام جد اعلای آن ها بوده است؛ اسحاقین خوانده می‌شدند، ولی بعد ها ابوالمکارم و پدرش «علی» و سایر دانشمندان این طایفه به خاطر نام زهره - جد آن‌ها - بنی زهره نامیده شدند. از نوشته‌های دانشمندان و تاریخ‌نگاران شیعه و سنی استفاده می‌شود: از روزی که ابن دودمان عظیم الشان، حلب را به عنوان وطن انتخاب کردند؛ همواره شعاع علم، فضل و دیانت آنان بر مردم شیعه حلب و سایر آن نواحی تابیده است و همه از نعمت وجود آن ها برخوردار بوده‌اند. علاوه بر آن دانشمندان بزرگ و فقیهان نامی و نوابغ عالیقدری از میان آن‌ها برخاسته‌اند و آثار علمی گران‌بهایی در تمام رشته‌های علوم اسلامی به یادگار گذارده‌اند.

[۳۱] دوانی، علی، مفخر اسلام، ج ۳، ص ۴۸۲.

ابوالمحاسن زهره بن علی، جد ابوالمکارم، از عالمان بزرگ حلب و از شاگردان ابن قولویه به حساب می‌آید. بعضی نقل کرده‌اند که وی از صدوق نیز روایت نقل کرده است. علی بن زهره (پدر ابوالمکارم) از بزرگان علمای حلب به شمار می‌آمده و از پدر خود، زهره الحلبی روایت نقل می‌کند و ابوالمکارم از او آموخته است.

حتی پس از درگذشت ابن زهره در فاصله سال‌های (۵۸۵ - ۵۱۱) این امر ادامه داشته است و با این که سختی‌ها و ظلم‌های فراوانی بر این شهر و شیعیان این خاندان تحمیل شد؛ لکن در طول تاریخ، در تربیت نوابغ علم و قهرمان فقه، موفق بوده‌اند. شاهد بر این مدعا استجازه گروهی از بزرگان خاندان ابن زهره از علامه و فقیه آن زمان، حسن بن یوسف بن مطهر حلبی (۶۴۸ - ۷۲۶) مشهور به علامه حلبی است.

[۳۲] مجلسی، مجدد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۶۱_۶۲.

تمام نسب‌شناسان بر این باورند که نسب ابن زهره (ابوالمکارم) به **امام صادق (علیه السلام)** منتهی می‌شود؛ اما در تعداد واسطه‌ها اختلاف کرده‌اند و هر کدام سلسله اجداد این عالم بزرگوار را بنا بر اعتقاد خود ذکر کرده‌اند و برای اثبات آن، نسب را بر شمرده‌اند تا آن که منتهی به امام (علیه السلام) شده است. **میرزا عبدالله افندی تبریزی**، نسب ایشان چنین آورده است:

السید عز الدین ابوالمکارم حمزه بن علی بن ابی‌المحاسن زهره بن ابی‌علی‌الحسن بن ابی‌المحاسن زهره بن ابی‌الموہب علی بن ابی‌سالم محمد بن ابراهیم محمد النقیب بن علی، بن ابی‌علی‌احمد بن ابی‌جعفر محمد بن دبی‌عبدالله‌الحسین بن ابی‌ابراہیم اسحاق المومنین بن ابی‌عبدالله جعفر بن محمد الصادق - علیہ السلام - الحسینی‌الطہی. [۱۳۳] **افندی تبریزی**، عبدالله، الریاض، ج ۲، ص ۲۰۲.

وی می‌افزاید:

آنچه که ما ذکر کردیم، نسب موجود در کتب معتبره است؛ اما در آخر کتب غنیه نسبی ذکر شده است که با واسطه کمتری به امام (علیه السلام) می‌رسد. و مرحوم **شیخ آغا بزرگ طهرانی** هم همین نسب را آورده است.

[۱۳۴] آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، طبقات اعلام الشیعه، ص ۸۷.

صاحب **روضت الجنات** می‌نویسد:

نسب سید بن زهره حلبی با دوازده واسطه به امام جعفر صادق (علیه السلام) می‌رسد که همگی از **سادات** بزرگوار هستند.

[۱۳۵] خوانساری، مجدباقر، روضت الجنات، ج ۲، ص ۳۷۴.

سید محسن امین رحمة الله از کتاب «**سیر اعلام النبلا**» چنین نقل می‌کند که: سنگ قبری که در **جمادی الاولی** سال (۱۲۹۷ هـ. ق) از مزار ابن زهره کشف شد؛ با خط زیبایی بر آن نگاشته شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

این مرقد بزرگ یگانه، رکن الدین ابی‌المکارم حمزه بن علی بن زهره بن علی بن محمد بن احمد بن محمد بن حسین بن اسحاق بن جعفر الصادق صلوات الله علیه و علی آباءه و ابناہه الانمہ الطاہرین است و وفات آن بزرگوار در ماه رجب سال (۵۸۵ هـ. ق) بوده است.

[۱۳۶] امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۴۹.

بنابر این نسب ابوالمکارم ابن زهره را با ۹ واسطه به **امام صادق (علیه السلام)** می‌رسد.

استادان

بسیار طبیعی است که شخصیتی همانند ابن زهره، که در خانواده **علم** و فضل به دنیا آمده و رشد کرده؛ در نزد بزرگان این خاندان آموزش ببیند و درجست کمال برسد. استادانی که ابن زهره در خدمت آنان تلمذ کرده است، تا آن جا که بدان خبر یافتیم عبارتند از:

۱. علی بن زهره الحلّبی، پدر ابن زهره.
۲. السید ابوالمحاسن زهره الحلّبی، جد ابن زهره.
۳. أبو منصور محمد بن الحسن بن منصور نقلش موصلی.
- وی از شاگردان ابو علی (پسر **شیخ الطائفه**) است. ابن زهره با یک واسطه از ابو علی، پسر شیخ طوسی، اجازه **روایت** یافت. و نیز النهایه شیخ طوسی را بر حاجب حلبی خواند.
۴. ابو عبدالله حسین بن طاهر بن حسین، که از **شیخ ابو الفتوح** نقل **روایت** کرده است.

شاگردان

۱. عبدالله بن علی بن زهره، برادر ابن زهره.
۲. سید محی‌الدین محمد بن عبدالله، برادر زاده‌اش.
۳. شیخ **محمد بن جعفر مشهدی**، صاحب کتب مشهور «المزار».
۴. شیخ معین‌الدین سالم بن بدران مصری مازنی.
۵. **محمد بن ادریس حلبی**، مولف کتب «السرائر»
۶. عز الدین ابو‌الحرث **محمد بن حسن بغدادی**، وی از ابن زهره اجازه **روایت** دریافت نموده است.

آثار

یکی از بهترین نشانه‌های بیانگر شخصیت، بالندگی **فکر** و وسعت اطلاعات هر شخصی آثاری است که از او به جای می‌ماند. ابوالمکارم آثار ارزشمند و جاودانه‌ای از خود به جای نهاده که با گذشت قرن‌ها از یاد نرفته و تازگی و طراوت خود را از دست نداده است و کتب‌هایش جزء مصادری است که از زمان تألیف تاکنون، مورد مراجعه فقیهان بوده است. کتاب **گران قدر «غنیة النزوع»** مدت‌ها به عنوان کتاب درسی در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شده و مورد استفاده قرار می‌گرفته، تا آن جا که **محقق طوسی** این کتاب را نزد معین‌الدین مازنی مصری قرائت کرده است.

[۱۳۷] ابن زهره، غنیة النزوع، المقمه، ص ۲۳.

نزدیک به ۲۰ کتاب، رساله و نامه به ابن زهره نسبت داده شده است. تنوع موضوعات این آثار نشان‌دهنده وسعت دامنه دانش اوست. علاوه بر کتاب **غنیة النزوع**، آثار دیگری از ابن زهره به جای مانده است که عبارتند از:

۱. الاعتراض علی الکلام الوارد من حمص؛ حصص: با کسره «حاء» و سکون «میم»، اسم شهر معروف و قدیمی‌ای است که ما بین **مشق** و حلب قرار دارد.

[۱۳۸] **حموی**، یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۰۲.

[۱۳۹] آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، الذریعه، ج ۵، ص ۱۸۵.

۲. الجواب عما ذكره مطران: بطران: با فتح «ميم» و سکون «ط» اسم رئيس كاهنان است و رتبه او بالاتر از أسقف است.
[۴۰] المنجد، ماده «مطر».

- این کتب جواب اشکالاتی است که این زهره به رئیس کاهنان داده است.
۳. الجواب عن الكلام الوارد من ناحية الجبل؛ جواب از کلامی است که از ناحیه جبل عامل آورده‌اند.
۴. جواب المسائل الواردة من بغداد؛ جواب مسائلی است که از **بغداد** آمده است.
۵. **قیس الانوار فی نصره العتره الاخير**؛
بعضی از مخالفین معاصر **علامه حلی** بر این کتب ردیه‌ای به نام «المقتبس» نوشته‌اند و یکی از عالمان **شیعه**، به نام شیخ علی بن هلال بن فضل، ردی بر این مخالفان نوشته است. با نام «الانوار الجالبه لظلام الغلس من تلبیس صاحب المقتبس».
۶. جواب الکتب الواردة من حمص؛ جواب نامه‌ای است که از شهر حمص آمده است.
۷. مسائل فی الرد علی المنجمین؛ مسائلی در رد نظریه ستاره‌شناسان که به بیست و یک مسئله می‌رسد.
۸. نوشته‌ای در بررسی مسئله تفکر و تعقل و این که آیا این مسأله به تنهایی در تحصیل معارف عقلیه کفایت می‌کند؟
۹. بررسی این مسئله که رویت ظاهری حق تعالی برای انسان امکان ندارد.
۱۰. بررسی این که **خداوند** متعال جبار **وحي** است.
۱۱. مسأله **نیت و وضو** هنگام مضمضه و استنشاق؛
۱۲. بررسی و رد نظریه کسانی که گمان کرده‌اند تفکر به تنهایی در شناخت **خداوند** متعال کافی نیست.
۱۳. مسأله تحریم فحاح (أبجو)؛
۱۴. بررسی و رد نظریه کسانی که اعتقاد دارند که حسن و قبح فقط شنیدنی است نه عقلی.
۱۵. بررسی و رد قائلان به این که در **دین اسلام قیلس** قابل قبول است.
۱۶. النکت؛ (در عمل نحو)
۱۷. بررسی مسأله جواز نکاح متعه؛
۱۸. نقض اشکالات فلاسفه؛
۱۹. **غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع**.

مزار این زهره

کوه جوشن، در غرب حلب و مشرف بر این شهر است. در پایین آن مقابر و مشاهد **شیعه** بنا شده است و شاعران حلب در باره آن سروده‌های زیادی آورده‌اند. این کوه حاوی معن مس بوده و از آن برداشت نیز می‌شده است.
نقل شده است:

زمانی که **اسیران کربلا** را از آن منطقه عبور می‌دادند -ظاهراً در برگشت از **شام** به طرف **مدینه منوره** - فرزند **امام حسین (علیه السلام)** در این مکان سقط شد. در آن وضعیت سخت، برای مادر بچه سقط شده، از کارگرانی که در این کوه مشغول استخراج **مس** بودند درخواست نل و آب کردند و آنان در مقابل درخواست ایشان و کمک کردن به اسیران زین به طعن گشودند.
در این حال همسر امام حسین (علیه السلام) بر آنان نفرین نمود. در اثر نفرین این بانوی مکرمه از آن زمان تا به حال، هر کس در این معن مشغول به کار شده سودی نبرده و هم اکنون این معن به صورت تعطیل درآمده است.
از آن زمان در این منطقه مکانی است که معروف به «مشهدالسقط» است و «مشهد النکه» نیز نامیده می‌شود. این سقط را محسن بن الحسین (علیه السلام) نامیده‌اند. در ضمن مرقه عالم جلیل القدر **این شهر آشوب ماز ندرانی** در همین مکان قرار دارد.

وفات

أبوالمکارم این زهره در **رمضان** سال (۵۱۱ هـ. ق) به دنیا آمد و در ماه **رجب سال** (۵۸۵ هـ. ق) به جهان باقی شتافت. خدایش رحمت کند و در فردوس برین در کنار اجداد طاهر ینش جای دهد. هم اکنون قبر سید شریف أبوالمکارم این زهره، در کوه جوشن قرار دارد و زیارتگاه عاشقان و زائران او است.
[۴۱] **حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۸۶.**

پانویس

۱. ↑ خوانسناری، محمدباقر، روضت الجنّت فی احوال العلماء و السادات، ج ۲، ص ۳۷۴-۳۷۵، چپ اسدالله اسماعیلین، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲.
۲. ↑ ابن عدیم، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ج ۶، ص ۵۵۹، چپ فواد سزگین، فرانکفورت ۱۴۰۶-۱۹۸۶/۱۴۰۹-۱۹۸۹.
۳. ↑ **راغب طیارخ، محمد، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، ج ۴، ص ۲۶۹، چپ محمد کمال، حلب ۱۴۰۹/۱۴۰۸۱۴۰۹.**
۴. ↑ **امین، محسن، اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۲۴۹، چپ حسن امین، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.**
۵. ↑ **افندی اصفهانی، عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۰۲، چپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱.**
۶. ↑ خوانسناری، محمدباقر، روضت الجنّت فی احوال العلماء و السادات، ج ۲، ص ۳۷۴، چپ اسدالله اسماعیلین، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲.
۷. ↑ **حر عاملی، محمد بن حسن، امل الامل، ج ۲، ص ۹۳، چپ احمد حسینی، ج ۲، قم ۱۳۶۲ ش.**
۸. ↑ **حر عاملی، محمد بن حسن، امل الامل، ج ۲، ص ۲۶۰، چپ احمد حسینی، ج ۲، قم ۱۳۶۲ ش.**
۹. ↑ **آقابزرگ طهرانی، محمدحسن، الثقلت العیون فی سلسل القرون، ص ۲۵۷، چپ علی نقی منزوی، بیروت ۱۳۹۲/۱۹۷۲.**
۱۰. ↑ **آقابزرگ طهرانی، محمدحسن، الثقلت العیون فی سلسل القرون، ص ۲۵۷، چپ علی نقی منزوی، بیروت ۱۳۹۲/۱۹۷۲.**
۱۱. ↑ **حر عاملی، محمد بن حسن، امل الامل، ج ۲، ص ۳۲۴، چپ احمد حسینی، ج ۲، قم ۱۳۶۲ ش.**
۱۲. ↑ **حر عاملی، محمد بن حسن، امل الامل، ج ۲، ص ۱۳۰، چپ احمد حسینی، ج ۲، قم ۱۳۶۲ ش.**

۱۴. [↑ حر عملی، محمد بن حسن، أمل الأول، ج ۲، ص ۳۲۴، چاپ احمد حسینی، ج ۲، ق ۲، ۱۳۶ ش، چاپ اسدالله اسماعیلین، قم، ۱۳۹۰-۱۳۹۲.](#)
۱۵. [↑ خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۲، ص ۳۷۵، چاپ اسدالله اسماعیلین، قم، ۱۳۹۰-۱۳۹۲.](#)
۱۶. [↑ خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۲، ص ۴۴۲-۴۴۳، چاپ اسدالله اسماعیلین، قم، ۱۳۹۰-۱۳۹۲.](#)
۱۷. [↑ خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۲، ص ۳۷۶، چاپ اسدالله اسماعیلین، قم، ۱۳۹۰-۱۳۹۲.](#)
۱۸. [↑ ابن کنیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، ج ۱۲، ص ۳۰۸۳۰۹، چاپ احمد ابوملحم \(و دیگران\)، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷.](#)
۱۹. [↑ ابن عذیم، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ج ۶، ص ۵۵۹، چاپ فواد سزگین، فرانکفورت ۱۴۰۶-۱۹۸۶/۱۴۰۹-۱۹۸۹.](#)
۲۰. [↑ ماز ندرانی، ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۸۲.](#)
۲۱. [↑ علامه حلّی، ایضاح الاشتهار، ص ۱۶۸-۱۶۹.](#)
۲۲. [↑ زبیدی، تاج العروس، ج ۳، ص ۲۴۹، ماده «زهر».](#)
۲۳. [↑ راغب طبایح، محمّد، اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۷۰.](#)
۲۴. [↑ حر عملی، محمد بن حسن، أمل الأمل، ج ۲، ص ۱۰۵، رقم ۲۹۳.](#)
۲۵. [↑ مرعشی، مجالس المومنین، ج ۱، ص ۵۰۸.](#)
۲۶. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱-۴۰.](#)
۲۷. [↑ خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات، ج ۲، ص ۳۷۵، رقم ۲۳۵.](#)
۲۸. [↑ نوری، میرزا حسین، مستدرک، الخاتمه، ج ۳، ص ۴۷۵، الفائده الثالثه.](#)
۲۹. [↑ نوری، میرزا حسین، الکنی و الالقاب، ج ۱، ص ۲۹۴.](#)
۳۰. [↑ مدرس تبریزی، ریحانة الألب، ج ۷، ص ۵۵۰.](#)
۳۱. [↑ دوانی، علی، مفلخر اسلام، ج ۳، ص ۴۸۲.](#)
۳۲. [↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۶۱-۶۲.](#)
۳۳. [↑ افندی تیریزی، عبدالله، الرياض، ج ۲، ص ۲۰۲.](#)
۳۴. [↑ آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، طبقات اعلام الشیعه، ص ۸۷.](#)
۳۵. [↑ خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات، ج ۲، ص ۳۷۴.](#)
۳۶. [↑ امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۴۹.](#)
۳۷. [↑ ابن زهره، غنیة النوزح، المقتمه، ص ۲۳.](#)
۳۸. [↑ حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۰۲.](#)
۳۹. [↑ آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، الذریعه، ج ۵، ص ۱۸۵.](#)
۴۰. [↑ المنجد، ماده «مطر».](#)
۴۱. [↑ حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۸۶.](#)

منبع

خدادادی، غلامحسین، تلخیص از کتبخ گلشن ابرار، ج ۴، ص ۴۳.
 سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «ابن زهره».
 دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «بنوزهر»، شمار ه ۱۹۱۹.

رده‌های این صفحه: [تراجم](#) | [خاندان بنوزهره](#) | [درگذشتگان سده 6 \(قمری\)](#) | [علمای شیعه](#) | [علمای قرن پنجم](#) | [علمای قرن ششم](#) | [فقه‌های شیعه](#)